



مطالعه تغییرات مفهوم مسکن متناسب با سبک نوین زندگی شهری با رویکرد اسلامی

عاطفه صدقاتی^{۱*}

^۱ استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲)

چکیده

مفهوم «مسکن» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بناهای استقرار یافته در شهر از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ بالواقع مسکن علاوه بر پوشش سطح گسترده‌تری در بین سایر کاربری‌های شهری، دربرگیرنده‌ی بیشترین ساعات سپری‌شده‌ی عمر افراد است. این همه درحالی‌است که از دیرباز، «خانه» برای ایرانیان با ارزش‌های سنتی و فرهنگی اصیلی مانوس بوده و برای هر فرد از جایگاه مقدسی برخوردار بوده‌است. درعین‌حال، توسعه مسکن نوین کشور، تحت تأثیر سبک معماری غربی، ترجیحات و سلیقه و به‌تبع آن، نیازهای معاصر افراد دارای تغییر مفهومی محسوسی بوده‌است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با پارادایم کیفی و رویکرد واقع‌گرایی اسلامی انجام شده‌است، دارای فرآیندی استقرایی است که عوامل چندگانه‌ی مؤثر بر تأثیر و تناسب توسعه مسکن و سبک نوین زندگی شهری را تبیین خواهد نمود. بدین ترتیب، از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته در سطح متخصصین، سعی دارد تا تغییرات مفهوم مسکن متناسب با سبک نوین زندگی شهری و با ملاحظه‌ی رویکرد اسلامی را مطالعه نماید. یافته‌ها که حول سه سؤال کلیدی اصلی تنظیم شده‌است، نشان می‌دهند که مفهوم مسکن امروزی بیش از آنکه تحت تأثیر تناسب خود با محتوای سبک نوین زندگی شهری، سمت‌وسو یابد، تحت هدایت عوامل اقتصادی، دیدگاه سودگرا و منفعت‌های فردی و مصلحت‌اندیشی مالی افراد، است. نتیجه چنین روندی، ساخت خانه‌هایی با فاصله محسوس محتوایی، نسبت به مفهوم سنتی خانه خواهد بود که بسیاری از مفاهیم توسعه مسکن اسلامی را نیز دربرنمی‌گیرد. هرچند به‌نظر می‌رسد که پایداری به برخی ارزش‌ها و باورهای اصیل جامعه نظیر حریمیت، پرهیز از اشرافیت و رعایت حال همسایه، در هر صورت، در ترجیحات افراد و در انتخاب خانه، نقش دارد و افراد سعی دارند با توازن میان توان مالی خود و چنین ویژگی‌هایی در خانه‌ی انتخابی، ترجیحات خود را بهینه سازند. درنهایت مفهوم «خانه» امروزی، برساخته‌ای اجتماعی است که نشان از هویت فرد امروزی، توان مالی وی و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه دارد. این مفهوم، به فراخور توانمندی اقتصادی وی در کنار ضوابط بدون توسعه مسکن شهری، می‌تواند دربرگیرنده‌ی ارزش‌های اصیل‌تر و مناسب‌تری از مفهوم «خانه» در محتوای یک شهر ایرانی-اسلامی باشد.

«پس چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند به خاک هلاک نشانیدیم و اینک آن شهرها از بنیاد ویران است و چه چاه و قنات‌های آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی بی‌صاحب گشت. آیا (این کافران) در روی زمین به سیر و تماشا نرفتند تا دل‌هاشان بینش و هوش یابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد؟ که (این کافران را) چشم‌های سرگرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده دل‌ها کور است.» حج (۲۲) - آیات ۴۵ و ۴۶

واژگان کلیدی

مفهوم مسکن، سبک نوین زندگی، اسلامی، ایرانی.

* نویسنده مسئول مکاتبات: دانشگاه بجنورد، خراسان شمالی، بجنورد، کیلومتر ۴ جاده اسفراین، کدپستی: ۹۴۵۳۱۵۵۱۱

a.sedaghati@ub.ac.ir

© حق نشر متعلق به نویسنده (گان) است و نویسنده تحت مجوز Creative Commons Attribution License به مجله اجازه می‌دهد مقاله چاپ شده را با دیگران به اشتراک بگذارد منوط بر اینکه حقوق مؤلف اثر حفظ و به انتشار اولیه مقاله در این مجله اشاره شود.

مسکن یکی از مهمترین اجزای زندگی هر فرد است که به او سرپناه، ایمنی و محیطی گرم می‌دهد و همچنین مکانی برای استراحت به وی می‌بخشد (Henilane, 2016, p. 168). در طی تاریخ انسان همواره در تلاش برای کیفیت‌بخشی به «سرپناه» خود بوده و هست. در این بین به نظر می‌رسد که این کیفیت‌بخشی بر پایه اصول و ارزش‌هایی محقق شود که فرد آنها را براساس فرهنگ، تاریخ، قواعد اجتماعی، هنجارهای جامعه و غیره الهام می‌گیرد؛ و به‌عنوان معیارهایی در ذهن خود نگه‌داشته و در هنگام انتخاب واحد مسکونی خود به کار می‌بندد. این همه درحالی است که در وضعیت توسعه مسکن امروزی ما، ماهیت این انتخاب افراد با قدرت و توان مالی و شرایط اقتصادی وی درهم‌تنیده شده است. به‌نحوی که فرد ناچار است بسته به توانایی مالی خود، ترجیحاتش را اولویت ببخشد و به ارجح‌ترین‌ها بسنده نماید.

برپایه‌ی شواهد تاریخ سکونت، رشد ادامه‌دار طراحی مسکن در یک نگاه دو‌سویه مشخص می‌شود. ما به زمان گذشته به‌منظور کاربرد فرم‌هایی که همچنان در دوره‌ی مدرن قابل قبول هستند، برمی‌گردیم یا برای ساخت فرم‌های نو و عناصری که نیازهای زیستی آینده را بازتاب می‌دهند به پیش‌رو نگاه می‌کنیم. درعین حال، مجموعه‌ای از گرایش‌ها با تأثیراتی متمایز و کمتر قابل سنجش بازاری هستند که بر توسعه مسکن و انتخاب مسکن برای سکونت مؤثرند. ارزش‌ها شاید بهترین توصیف برای این گرایش‌ها باشد که تنوعی بسیار دارند؛ اما در روش کلی و عادت‌های مؤثر مشتریان، تقریباً واضح و آشکارند (Wentling, 2016, p. 99). درعین حال، تغییرات ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها و به‌تبع آن تغییرات و گونه‌گون شدن سریع شیوه‌های زندگی، خود به دغدغه‌ی نوینی در جامعه‌ی امروز تبدیل شده است که از ابعاد مختلف قابلیت بحث و بررسی دارد (Eskandrian, 2019, p. 67). وقتی دنیای اجتماعی متحول می‌شود، به مفاهیمی نو برای درک کردن آن نیازمندیم؛ ظاهراً مفهوم «سبک زندگی» چنین ویژگی‌ای دارد که تحول پدیدآمده را در خود بروز می‌دهد (Rostami & Ardehsirzadeh, 2012, p. 20; Fazli, 2012, p. 61). مفهوم سبک زندگی، مفهوم الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش را دربرمی‌گیرد و حتی نگرش‌ها و ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی که عضو آن است را نیز باز می‌نماید (Esmaili Joshghani et al., 2018, p. 60). اگرچه واژه سبک زندگی، در گذشته‌های دور، چندان متداول نبوده لکن در فرهنگ‌ها و آئین‌های مختلف، جاری و ساری بوده است به‌نحوی که هر فرهنگ و یا آئینی، در شئون و مؤلفه‌های مختلف نحوه‌ی زیستن (اعم از نحوه لباس پوشیدن، غذا خوردن، تعامل کردن و غیره) ترجیحات خاصی داشته است. در اسلام نیز متناسب با عقاید و الزامات این آئین، نوع مشخصی از سبک زندگی، ارجحیت دارد که رعایت آن سبب شکل‌گیری هویت اسلامی در جوامع مسلمین و تمایز آنها از سایر فرهنگ‌ها و مکاتب می‌شود. از طرفی با اذعان به این نکته که وجه و رکن ماهوی شهر اسلامی، ایمان به خدای متعال است و پایبندی ساکنان شهر به الزامات حاصل از این ایمان است که ضامن تداوم سبک زندگی اسلامی است (Raisi, 2019, p. 60)، می‌توان مدعی شد در صورت آنکه توسعه شهری که دارای ساکنین معتقد به الزام‌های اسلامی و دینی است هم‌سو با سبک زندگی اسلامی باشد، می‌توان انتظار داشت که افراد آن جامعه به سمت کمال مادی و معنوی و منتهای سعادت بشری، نائل شوند.

متأسفانه در توسعه مسکن امروزی شهرهای ما، هزینه به‌عامل اصلی و شرط نخستین هرگونه ساخت و ساز شهری، مبدل شده است. این امر سبب شده است تا معیارهای مطلوب توسعه مسکن با ملاحظات اسلامی، کمرنگ شده و یا کمتر دارای اولویت باشند. درحالی که جامعه‌ای می‌تواند راه رشد و تکامل را در پیش‌گیری که در کالبد شهری مناسب ارائه حیات و سازگار با رشد جان و روان خود باشد، غلبه‌ی منفعت مالی و دیدگاه سرمایه‌ای دیدن مسکن، منجر به آن شده است که کمیت‌گرایی بر کیفیت‌گرایی تسلط یابد. پژوهش حاضر با چنین مضمونی در نظر دارد تا تغییر مفهوم خانه (مسکن) به تناسب سبک نوین زندگی شهری را مطالعه نموده و این دغدغه‌ی محوری را مبنا قرار دهد که مفهوم مسکن امروزی چیست؟ این مفهوم تا چه میزان تحت تأثیر سبک نوین زندگی شهری است و درعین حال، توسعه مسکن امروزی کدام ملاحظات اسلامی را بیشتر مدنظر دارد و این

ملاحظات آیا منجر به تمایز مسکن ایرانی- اسلامی شده‌اند؟ در نهایت سعی خواهد شد خصیصه‌هایی از مسکن اسلامی که در وضعیت کنونی شهرهای ما بیشتر مورد غفلت واقع می‌شوند، مورد بحث قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

الف- مفهوم مسکن - خانه و سبک زندگی با ملاحظات اسلامی

بشر ماقبل تاریخ موضوعی با عنوان خانه نمی‌شناخت. انسان اولیه تنها محلی را به‌عنوان سرپناه فراهم می‌کرد تا از باد و باران در امان باشد اما با گذشت زمان و پیشرفت در ساخت، خانه‌هایی را به‌وجود آورد که از چند اتاق تشکیل شده بودند (Alalhesabi & Karani, 2012, p. 25). در میان واژگان به‌کار بسته شده در ارتباط با فضای زندگی از سان دو واژه «خانه^۱» و «مسکن^۲» بیشتر استفاده شده‌اند. خانه غالباً به معنی ساختار کالبدی و تعلقات احساسی و معنایی تلقی می‌شود درحالی‌که مسکن بیشتر به ساختار کالبدی آن اشاره دارد (Aghalatif & Hojjat, 2017, p. 43). بالواقع خانه فراتر از ابعاد مکانی، با روح و احساس فرد تنیده است (Saraee, 2012, p. 24). مسکن^۳ و محل سکونت^۴ آدمی، کالبدی است که نشانی از خود فردی و جمعی وی را منعکس می‌سازد. این امر در مورد همه جوامع، از جمله جامعه ایران صادق است. وقتی از نسبت میان سبک زندگی ایرانی و شکل مسکن سخن می‌گوییم، مسلماً عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی را مطرح‌نظر قرار داده‌ایم (Shasti & Flamaki, 2013, p. 117). سکونت برپایه سبک زندگی، بر این تئوری استوار است که ما بیشتر زمان خود را در خانه در محدوده‌ی «لکه» های متفاوت سپری می‌کنیم. هر لکه شامل تعدادی از اتاق است که به‌طور طبیعی با یکدیگر کار می‌کنند. به‌عنوان مثال در یک خانه‌ی معمولی، آشپزخانه، صبحانه‌خوری و هال خصوصی چیزی را می‌سازند که لکه‌ی اجتماعی خوانده می‌شود و متداول‌ترین محل در خانه برای فعالیت‌های جمعی و دور هم جمع‌شدن است. در طول سال‌های پس از دهه‌ی نود میلادی، ملاحظات سبک زندگی، تغییرات جمعیتی و الگوهای سکونت پیش‌فرض‌های ما را از خانه‌ها تغییر داده و خواهند داد (Wentling, 2016, p. 3). با نگاهی به مسکن به‌عنوان مهم‌ترین ابنیه کالبدی شهرها که پذیرای بیشترین زمان سپری شده عمر یک فرد است، اهمیت دوچندان مسکن و به‌تبع آن، تأثیرپذیری این واحد کالبدی از نیازها و سلیقه افراد ساکن در آن، هویدا می‌گردد. این واحد کالبدی در واقع بازتابی از سلیقه، ترجیحات فردی، باورها، ارزش‌ها و فرهنگ فرد ساکن آن است که البته با شرایط اقتصادی و توان مالی او در فرایند خرید مسکن، به انطباق رسیده است.

سبک زندگی اسلامی و ایرانی مردم نمودی از تجلی آیات قرآن مجید است. علاوه‌بر آن‌که در معماری ایرانی، در هر دوره می‌توان تبلور فناوری‌های روزآمد آن زمان را نیز در معماری مشاهده کرد. معماری سنتی ایرانی نمودی از تبلور هم‌زمان مبانی نظری و فناوری‌های روزآمد و پیشرفته معماری است که به شکلی طراحی مبنا در کنار هم قرار گرفته‌اند (Ahmadi et al., 2021, p. 3). به زعم (Raisi, 2019) الگوی کالبدی مسکن، کیفیت مکان‌یابی ریزفضاهای سکونتی و رنگ مطلوب ریزفضاهای سکونتی، سه عامل مهم و تأثیرپذیر قابل تأکید از سبک زندگی هستند. وی با اشاره به اینکه در معماری معاصر، الگوی رایج کالبدی مسکن، الگوی برون‌گرا است، آن را مغایر با معماری اسلامی با الگوی غالب درون‌گرا، می‌داند. تنوع ریزفضاها نیز در الگوی مسکن معاصر کمتر از مسکن در سبک زندگی اسلامی است. روانشناسی رنگ و تأثیر رنگ بر توسعه ریزفضاها نیز در سبک زندگی اسلامی مطرح و قابل بررسی است (Raisi, 2019, p. 200- 218- 241).

زمانی که سخن از مسکن و خانه پدید می‌آید، سخنی از هایدگر به ذهن متبادر می‌شود؛ آنجا که وی اشاره می‌کند که انسان با غم غربت به جهان پرتاب شد و به دنبال پیدا کردن خانه‌ای است که آن را مأمن خویش قرار دهد. با این تعبیر، خانه صرفاً مکانی برای خوابیدن نیست بلکه معانی پنهانی در خود دارد (Shasti & Flamaki, 2013, p. 118). «مسکن»، «منزل» یا «خانه» برای مؤمن، محلی است که هم از نظر مادی (امنیت، شکل‌گیری و گسترش خانواده و رفع نیازهای اولیه)، هم از نظر روانی (آرامش و امنیت

روانی و فکری) و هم از نظر معنوی (تفکر و عبادت و خدمت به آحاد خانواده)، نیازهای او را مرتفع می‌کند (Naghizadeh, 2016, p. 160). حضرت ابراهیم (ع) در ارتباط با لازمه‌های سکونت خانواده‌اش، چهار چیز از خدا خواست.

۱. امنیت: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره: ۱۲۶)؛ ۲. معیشت: «وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۲۶)؛ ۳. محبت: «فَاجْعَلْ أَفْتَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم: ۳۷)؛ ۴. معنویت: «أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ» (ابراهیم: ۳۷) (Qaraeti, 2013, p. 19; The Holy Quran).

پژوهشگران بسیاری با محور مسکن اسلامی و ویژگی‌های آن کار کرده‌اند (Memarian, 1993; Noghrekar, & Alalhesabi, 2016; Qaraeti, 2013; Bemanian et al., 2009)؛ و هر یک مواردی را به‌عنوان ویژگی‌های اصلی مسکن مطلوب اسلامی مطرح نموده‌اند که بعضاً دارای هم‌پوشانی نیز هستند. اهم این شاخصه‌ها در قالب (جدول ۱)، ارائه شده‌است.

جدول ۱: شاخص‌های کاربردی مسکن مطلوب اسلامی

عنوان شاخص	توضیح
درون‌گرایی	درون‌گرایی با ریشه‌ای عمیق در مبانی اصول اجتماعی و ایجاد آرامش اصیل در درون (Memarian, 1993; Ahmadi et al., 2021).
حفظ حریم حیات در مسکن	اتاق خواب باید به‌گونه‌ای ساخته شود که مسائل زناشویی از سایر افراد منزل پنهان بماند، بهره‌گیری از فضاهای کاملاً خصوصی (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
هوای مطبوع	تأمین دمای مطلوب در تابستان و زمستان، با تجهیز ساختمان به سیستم‌های سرمایش و گرمایش باید در طراحی و ساخت مسکن لحاظ شود (Qaraeti, 2013)، بهره‌برداری از مواهب طبیعی (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
ممنوعیت به اشراف به خانه دیگران	ساختمان‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که اشراف بر خانه مردم، بستری برای چشم‌چرانی نباشد (Brown, 1984)، پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
توجه به شرایط منطقه و اقلیم	هماهنگی با طبیعت و استفاده از انرژی پایدار به‌نحو شایسته در معماری گذشته (Memarian, 1993)، (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
توجه به نور خورشید	توجه به چرخش نور خورشید و قرارگرفتن فضاهای اطراف حیاط بسته به موارد استفاده از آنها (Qaraeti, 2013)، بهره‌برداری از مواهب طبیعی (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
عایق‌بندی ساختمان	در اسلام استراق سمع ممنوع است؛ بنابراین دیوارهای ساختمان باید به‌گونه‌ای باشد که عایق سرما، گرما و صدا باشد (Ahmadi & Nafti, 2014).
رعایت نظم - هماهنگی	نظم موزون، وحدتی مرکزی و تداوم مکانی با رعایت اصل سلسله مراتب (Motahari Rad, 2011)، هماهنگی بدنه‌ها (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
نماسازی	نماسازی از منظر اسلام، به‌معنای سیر از ظاهر به باطن و اجتناب از تظاهر و مراء است (Haghighat Bin & Asadolahi, 2011).
جهت‌گیری کالبدی	قرار داشتن خانه‌ها به‌سمت قبله و جهت‌گیری آن به‌سوی کعبه از اهمیت بسیار بالایی در فرهنگ اسلامی برخوردار است (Bemanian et al., 2009).
بهداشت شهر و مسکن	اسلام به امر پاکیزگی و بهداشت بسیار اهمیت می‌دهد.
توجه به عنصر حیاط و باغچه	حیاط به‌عنوان سازماندهی فضایی و جمع‌کننده تنوع و گونه‌گونی‌ها یا انتظام هندسی و درون‌گر مرتبط با فضاها (Memarian, 1993)، ارتباط با طبیعت (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
تهویه ساختمان	توجه اسلام به بوی خوش و دوری از بوی بد نشان می‌دهد که در ساخت مسکن نیز باید به این امر توجه داشت و با ایجاد سیستم تصفیه مناسب، هوای پاک و سالم در جریان باشد (Qaraeti, 2013).
وسعت مسکن	با اینکه در قرآن، اشراف گناه کبیره شمرده شده و در روایات از ساخت مسکنی که موردنیاز نیست نهی شده؛ اما نسبت به وسعت خانه سفارش شده است (Fallah Monshadi, 2011).
برآوردن حد متوسط امکانات رفاهی و خدماتی	ایجاد حد متوسطی از فضاهای خدماتی در جهت پاسخ به نیازهای رفاهی اهالی خانه (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).
آرامش	خانه محل آرامش (Noghrekar & Alalhesabi, 2016).

درعین حال، در معماری و شهرسازی دوران اسلامی، به خصوص قبل تهاجم تفکرات مدرنیته غربی، برخی ویژگی‌های هندسی خاص پیگیری و اجرا می شد. مثلاً کلیه راه‌ها و مسیرهای عبوری، از کوچه باغ‌های رو ستایی گرفته تا راه‌ها و بازارهای شهری، همه هماهنگ و منطبق با عوارض طبیعی، مانند نهرها و رودها یا شیب‌های تند و کند و دامنه‌های آن‌ها بود. در این نوع هندسه، انسان علاوه بر تشویق به حرکت، نقطه دید متنوع و متحرک داشت. نکته دیگر، تبعیت بدنه‌های خارجی بناها در هماهنگی با مسیرها، دارای هندسه‌ای موج و مشوق عبور بودند. لکن سردرها و ایوان‌های ورودی، برعکس ضمن برجسته شدن (و یا تورفتگی) از بدنه‌ها، دارای محوری شاخص، خالی و عمودی بودند. هم‌قرینه بودن اجزای به‌کار برده شده در محور هم‌عرض و برعکس آن در محور هم‌طول نیز در این رابطه قابل ذکر است؛ آنچه تداعی‌کننده‌ی سیر از زمین به آسمان و از کثرت به وحدت است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد طراحی بناها و به‌ویژه مسکن در شهر اسلامی سنتی آن است که بنای معماری و همه اجزاء و عناصر محیطی و کالبدی فقط نقش وسیله و ابزار مناسب برای محیط‌زیست انسان‌ها را فراهم می‌آورند. کالبد و عناصر محیطی همیشه وسیله و انسان همیشه قهرمان تعامل در فضا است (Noghrekar, 2014, p. 91-102). شهر ایرانی از روزگاران دور، روزگاران که شهر در آن بی‌افکنده شد، تصویری از مثالی آسمانی بوده است. شهر مکانی بود که درعین واقعیت و عینیت، از حقیقت و ذهنیتی نشان داشت که در ورای چهره ظاهری آن رخ پنهان کرده بود. شهر ایرانی شهری مملو از زندگی، پر از خاطره و سرشار از واقعه و حادثه بود. این شهر بدان سبب ساخته شده بود که کالبدی زیبا و کلیتی آهنگین داشته باشد؛ شهر از آن روی شکل گرفته بود تا حامل پیامی از سرزمین موعود باشد؛ تا رابطی باشد بین وجود و موجود، بین مکشوف و مستور (Habibi, 2006). در ساختار فضای چنین شهری با لحاظ سبک زندگی ایرانی، ساختار فضایی مسکن همواره جاری و ساری است و بر شاخصه‌ی اصلی سلسله مراتب فضایی، درون‌گرایی، شفافیت، مرکزگرایی تأکید دارد. ساختار فضایی مسکن کاملاً یکپارچه و دارای یک حیاط مرکزی است. البته مفهوم مسکن ایرانی با اقلیم متفاوت، نمود متفاوتی نیز در نقاط مختلف کشور ایران داشته است. درواقع مسکن ایرانی تفسیری فنی- اقلیمی از سبک زندگی ایرانی است (Ahmadi et al., 2021, p. 2).

به‌لحاظ مفهومی، خانه و مسکن در سبک نوین زندگی شهری متحول شده و هر روزه مفهومی نوین می‌یابد. درواقع خانه به یک مفهوم در حال تحول و گذار مبدل شده است (Sedaghati, 2018, p. 98). با توسعه شهرنشینی، خانه بسیاری از کارکردهای سنتی خود را مانند محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و مهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آئین‌ها، محل کار و تولید و همه چیز به جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. تغییر شیوه زندگی تقریباً همه جنبه‌های آئینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بالطبع خوراک و پوشاک و آداب سکونت را هم شامل شده است. تغییر در شیوه زندگی و سبک زندگی نوین شهری، تغییر در مسکن را موجب شده است (Alalhesabi & Karani, 2012, p. 26). در نتیجه می‌توان گفت این تأثیرپذیری تعاملی بین شیوه رفتارها، سبک زندگی و الگوی توسعه مسکن (ناشی از تغییر مفهومی مسکن)، همچنان ادامه خواهد داشت چون نیازها، علایق و سلیقه وی و به تبع آن ترجیحات فردی و جمعی در حال تغییر است. در این بین تنها عاملی که در صورت غفلت ممکن است با وجود بار معنایی قوی، ارزش‌های جمعی جامعه، باورها و اعتقادات است؛ که ناپستی جایگاه خود را در برنامه‌ریزی مسکن از دست بدهند. در صورت تزلزل ارزش‌های برآمده از باورها و اعتقادات و فرهنگ سنتی حاکم بر جامعه، ارزش‌های نوینی جایگزین خواهد شد که ضرورتاً با ارزش‌های اصیل و روح حاکم بر جامعه، مطابقت نخواهد داشت.

ب- سیر تغییر مفهومی خانه- مسکن و سکونت متناسب با سبک زندگی

معتقدان به جبر اقلیمی در معماری، مهم‌ترین نگرانی انسان بدوی را «پناه‌گرفتن» می‌دانند؛ آنچنان که اشاره می‌دارند، «خانه می‌سازیم تا در شرایط آب‌وهوایی دوام آوریم و از خود در برابر نابودگران حفاظت کنیم. مواد غذایی را پرورش داده، جمع‌آوری و مصرف می‌کنیم تا تعادل متابولیسم بدن خود را حفظ نماییم»؛ اما این موضوع در مورد انسان امروزی و حتی انسان بدوی مورد

تردید است. انسان بدوی که با وجود تمام کمبودهایی که با آن مواجه است، تابوها و خط قرمزهای زیادی در زمینه مسکن و تغذیه برای خود دارد. لکن در مجموع می‌توان گفت داشتن «سرپناه» برای انسان از بالاترین درجه اهمیت برخوردار بوده و در تقلاهی همیشگی او برای بقا، عامل اصلی است. این درحالی است که انسان در طول اعصار، در تلاش برای محافظت از خود در برابر شرایط سخت جوی، به تکامل انواع متعدد مسکونی پرداخته است (Rapaport, 2015, p. 40). ابن‌خلدون، منشأ پیدایش شهرها را در ارتباط با نحوه زندگی اقتصادی آنها می‌داند؛ تا آنجا که یکجانشینان ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می‌کردند و سپس با افزایش بازده تولید، به خواسته‌های تجملی روی می‌آورند که این امر منشأ اصلی شهرها است (Kaviani-Pouya, 2016, p. 77).

از طرفی، شواهد تاریخی نشان می‌دهند که انسان از همان ابتدای تاریخ، خانه را تنها برای تأمین نیازهای زیستی و پناه‌گاهی نمی‌خواست و متناسب رشد اندیشه و احساسش و به تعبیر دقیق، متناسب نوع فرهنگ و تمدنی که خلق می‌کرد، درصدد ساختن خانه درخور خود بوده است. اگر از این زاویه تاریخی و انسان‌شناسانه به تاریخ خانه‌سازی و معماری نگاه کنیم، «خانه» را در مراحل مختلف تاریخی متناسب با نوع خانواده و ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و محیطی با اشکال متفاوت می‌یابیم (Fazeli, 2016, p. 34).

مسکن تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به لحاظ فرم، تغییراتی را پذیرا شده است. بسیاری از این تحولات، دقیقاً ناشی از تغییر سبک زندگی و تأثیر فرهنگ غربی بر فرهنگ حاکم بر جامعه و به تناسب آن، احساس تغییر نیاز، سلیقه و به عبارت دیگر ترجیحات افراد است. به عنوان مثال تغییر مفاهیم سنتی پاکیزگی به تعاریف جدید بهداشت منجر به تأکید بر تأمین آب لوله‌کشی و سیستم فاضلاب برای خانه‌ها به جای روش‌های قدیمی و به روز شدن عادت‌های روزمره شد. نمونه‌ی دیگر، حضور معماران خارجی و بازگشت معماران تحصیل‌کرده‌ی ایرانی از خارج، سبب معرفی نمونه‌های جدید خانه مانند خانه‌های ویلایی، آپارتمانی و غیره شد. کشف حجاب اجباری و شکسته شدن مرزهای اندرونی-بیرونی نیز به تغییر در تعریف حیاط از فضای سازمان‌دهنده در میانه‌ی خانه به فضای سبز جلوی خانه، ظهور باز شو و پنجره از فضای خصوصی به معابر عمومی شد. تغییر تفکر افراد نسبت به استقلال‌گرایی و کاهش وابستگی‌ها نیز تمایل به سکونت تک‌خانواری را به جای زندگی در خانواده‌های گسترده و خانه‌ی پدری، سبب شد. اصلاحات ارضی، مهاجرت‌های گسترده و سیاست‌های نو سازی نیز اولاً با شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و مسکن کم‌دوام و ثانیاً با تخریب بافت‌های سنتی و به تدریج تلاش برای حل معضل کمبود مسکن برای اقشار مختلف به صورت مسکن حمایتی دولت در کنار انبوه‌سازی مسکن که این انبوه‌سازی با ظهور سبک‌های جدید خانه‌سازی به شکل آپارتمان‌های بلندمرتبه و کوتاه‌مرتبه، به تغییر بیش از پیش مفهوم خانه منجر شد (Hagh-shenas & Hanachi, 2022, p. 68). با مرور منابع مختلف، به نظر می‌رسد می‌توان چهار مفهوم کلی در ارتباط با تغییر مفهوم خانه از ابتدای سکونت بشریت تاکنون بازشناسی کرد (جدول ۲).

جدول ۲: چهار مرحله‌ی تغییر مفهومی خانه - از مرحله نخستین تا توسعه شهرها

(Wentling, 2016, p. 100-104; Morris, 2005, p. 11; Kaviani-Pouya, 2016, p. 76-77; Fazeli, 2016, p. 32-35; Alalhesabi & Karani,)
(۲۰۱۲, p. 31; Rapaport, 2015, p. 22-49

ردیف	توضیحات اولیه	مفاهیم اصلی شناسایی شده (تصاویر مرتبط ^۵)	تیپ ساختمانی و فضا
۱	<p>- شکل‌گیری نخستین مفاهیم از خانه</p> <p>- بهره از عناصر موجود در محیط طبیعی پیرامون همچون شاخ و برگ درختان، گیاهان و نی.</p> <p>- غارها و برآمدگی صخره‌ها نه سکونت‌گاه که بیشتر یک پناهگاه در برابر نامایمات آب و هوایی و حملات حیوانات درنده و یا انسان‌های دیگر بودند.</p>	<p>- مفهوم خانه یا به عبارت بهتر «واحد فیزیکی»، بیشتر یک «سرپناه» است.</p> <p>- شاید نزدیک‌ترین مترادف مفهومی آن «پناه‌گاه» یا «جان‌پناه» باشد.</p> 	ابتدایی: تیپ ساختمانی محدود
۲	<p>- شکل‌گیری دهکده‌های اولیه (در دو نوع موقت و دائم)^۶</p> <p>- انسان مستقل از طبیعت، برای رفع نیاز به سرپناه «خانه» می‌سازد.</p> <p>- نوعی از آن به صورت چادرهای پارچه‌ای (اقوام کوچ‌نشین)</p> <p>- یکجانشینان - ساخت کلبه‌های اولیه بشری بر پایه ستون‌هایی از تنه درختان (آلونک‌های بدوی)</p> <p>- توسعه فکری و معنوی انسان و افزایش جمعیت</p> <p>- انسان نیازهای ضروری خود را تولید می‌کند.</p>	<p>- خانه علاوه بر مفهوم سرپناه، دارای هویت بیرونی است.</p> <p>- نزدیک‌ترین مترادف مفهومی آن «اقامت‌گاه» است.</p> 	بومی پیش‌صنعتی: تیپ ساختمانی بیشتر؛ اما محدود. لحاظ سلیقه شخصی، استفاده از استادکار (به‌مرور)
۳	<p>- پیدایش شهرهای اولیه^۷</p> <p>- انقلاب کشاورزی و مازاد تولید</p> <p>- کشف فلز، گسترش دامداری، دگرگونی روابط تولید و تجارت، پیدایش دولت</p> <p>- تأثیر فرهنگ‌های مختلف بر شکل خانه (بیش از پیش)</p>	<p>- خانه یکی «برساخته‌ی اجتماعی و فرهنگی» است.</p> <p>- در این مفهوم خانه به‌تناسب دانش بشری، تکامل مفهومی می‌یابد تا متناسب با خواست‌ها و نیازهای افراد باشد.</p> 	
۴	<p>- توسعه شهرها</p> <p>- توسعه تکنولوژی</p> <p>- توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره</p> <p>- توسعه آبیاری و تکنولوژی مربوطه</p>	<p>- خانه نشانی از «ما» دارد. پس، بیش از پیش در راستای خواست‌ها و نیازهای افراد و جامعه توسعه می‌یابد. «حس تثبیت» در فرد شکل می‌گیرد و معنای «وطن» به‌نحوی شکل می‌گیرد. خانه در این دیدگاه «محلی برای اتکاء» تلقی می‌شود. در این مرحله اوضاع اقتصادی بر امکانات، محل قرارگیری و تجهیزات مسکن تأثیرگذارتر از قبل می‌شود، به‌نحوی که مسکن بازتابی از وضعیت اقتصادی و توان مالی فرد ساکن آن نیز است.</p> 	مدرن: تیپ‌های زیاد ساختمانی و تخصصی. ساخت بنا توسط گروه متخصص، طرح اندیشیده شده قبلی دارد.

مطالعات پیشینه به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

الف) مطالعات کاربردی که مسئله مسکن و سبک زندگی را توأمان مورد توجه قرار داده‌اند. احمدی و همکاران در پژوهشی با موضوع داده‌کاوی هندسی و گرامر شکلی رابطه ساختار فضایی مسکن و سبک زندگی اسلامی ایرانی، تأکید بر چهار شاخصه‌ی سلسله مراتب فضایی، درون‌گرایی، شفافیت و مرکزگرایی مسکن در سبک زندگی اسلامی ایرانی دارند (Ahmadi et al., 2021). حق‌شناس و حناچی طبق بررسی گونه‌شناسی مسکن لار، در طول صد سال گذشته، نشان می‌دهند که در الگوهای مسکونی اخیر، خلاقیت‌های مردمی ناشی از تجربه‌ی زیست در خانه‌ی سنتی و نبوغ طراحان در معماری خانه‌های ضدزلزله، به‌کلی نادیده گرفته شده‌است (Hagh-shenas & Hanachi, 2022). صداقتی و همکاران در پژوهشی به ارائه سناریوهای استعاره «خانه» در سبک نوین زندگی شهری مبتنی بر روش CLA پرداخته‌اند. طبق یافته‌های ایشان، چهار سناریو در ارتباط با مفهوم خانه و خلق آینده بدیل ارائه شده‌است که شامل خانه هوشمند، خانه به‌عنوان یک ابر دیجیتال، خانه انسانی و خانه متحرک است (Sedaghati et al., 2018). شصتی و فلامکی رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی را بررسی می‌کنند. ایشان در مقاله خود اشاره می‌دارند که اگر بتوان اذعان داشت که زندگی روزمره صرفاً قلمرو و امور بدیهی، ثابت و مبتنی بر عادت نیست، می‌توان به بررسی این امر پرداخت که شیوه سکونت فرد ایرانی و نحوه شکل‌دهی او به مسکن (در کالبد بیرونی و چیدمان داخلی) در طول زمان منجر به انباشتی پایا می‌شود که در کنش و واکنش‌هایی همیشگی، تأثیری مداوم و مستمر از خود برجای می‌گذارد (Shasti & Flamaki, 2013).

ب) مطالعات کاربردی که مفهوم مسکن - خانه را مطرح‌نظر قرار داده و پژوهش نموده‌اند: آقالتپی و حجت در نمونه‌ی تهران، اشاره می‌کنند که مفهوم خانه از کیفیات به کمیات وابسته شده‌است؛ بخشی از این موضوع به دلیل تغییرات کالبدی بوده که در شیوه‌ی تفکیک فضایی، مرزبندی فضاها و مرکزیت و فضای جمعی پدید آمده و امکان خاطره‌آفرینی فضای خانه را کمتر نموده‌است. تغییر ذهنیت ساکنان و نوع نگرش نسل‌های مختلف به عالم، وابسته‌است (Aghalatif & Hojjat, 2017). کوچکیان و همکاران در پژوهشی به بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت براساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازند. این محققان برای دستیابی به مفاهیم مذکور، بررسی تحول آن را گریزناپذیر می‌دانند؛ بنابراین راه تعریف مفهوم مسکن را بررسی دیدگاه‌های مختلف در بازه‌های زمانی گوناگون دانسته و از این منظر در نتایج به ارائه شاکله اصلی «معماری مسکونی» در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های مؤثر بر کیفیت و مطلوبیت فضای سکونت و مسکن در مجتمع‌های مسکونی، دست می‌یابند (Kochchian et al., 2016). اختراخوان و همکاران، خانه از مفهوم تا معنا را در پژوهشی مبنا قرار می‌دهند و اذعان می‌دارند که از نظر معنایی، آیا می‌توان قائل بر این بود که خانه برای همه انسان‌ها معنای مشخصی دارد و همه برداشت‌ها و توقعات معینی از محیط زندگی خود دارند؟ این محققان هم‌راستا با پنج رده نیاز انسانی شامل بقا، آسایش، راندمان، بعد فردی و بعد اجتماعی، معیارهایی برای خانه معرفی می‌نمایند (Akhtarkavan et al., 2015). حساس در پژوهشی نشان می‌دهد که سیاه‌چادر تمامی تعاریف و معانی خانه را داراست با حداقل هزینه، با ظاهری ساده ولی کارایی بسیار بالا و ایدئال (Hassah, 2015). طاهری و بهروز در نتایج خود به این نکته اشاره می‌دارند که امروزه ما به علت عدم محرمیت، کمترین بهره را از فضاهای باز و نیمه‌باز داریم و کاربرد حیاط به دلیل اشرافیت سایر خانه‌ها، قابلیت استفاده‌هایی که حیاط خانه‌های قدیم داشت را ندارد (Taheri & Behrooz, 2014). علی‌الحسابی و کرانی در پژوهشی با موضوع عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده، پیشنهادهایی برای مراحل اولیه دستیابی به الگوی مسکن آینده، حفظ هویت و ارزش‌های مسکن ایرانی در گذار از انقلاب دیجیتال ارائه کرد (Alalhesabi & Karani, 2012). فاضلی در پژوهشی مدرنیته و مسکن را مورد مذاقه قرار می‌دهد؛ البته تحلیل خانه روستایی مدنظر محقق است و در نتایج اشاره می‌کند که به‌نوعی مدرنیته روستایی ایرانی شکل گرفته‌است (Fazeli, 2012). هنیلن بررسی و تحلیل مفهوم دسته‌بندی مسکن را مورد پژوهش قرار می‌دهد. وی اشاره می‌کند که تعریف واژه مسکن و طبقه‌بندی مسکن می‌تواند در تدوین

و اجرای سیاست مسکن و همچنین آمار در لتونی و سایر کشورهای اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گیرد (Henilane, 2016). با مرور آنچه به عنوان پیشینه‌ی مطالعات ارائه شد، به نظر می‌رسد که محققان مختلف بر موضوع توسعه مسکن مطلوب، مسکن اسلامی، سبک زندگی و مسکن و موضوعات نظیر آنها عنایت داشته و هر یک به نحوی سهمی در بسط نظری و عملی موضوعات فوق‌الذکر دارند. از طرفی پژوهش حاضر فارغ از نمونه‌ای خاص، سعی دارد تا تمرکزی بر تغییر مفهوم مسکن در تناسب با سبک نوین زندگی شهری ایجاد نماید و از این طریق ضمن وارد کردن ملاحظات اسلامی، سه واژه‌ی کلیدی «مسکن اسلامی»، «سبک زندگی نوین شهری» و «مسکن امروزی» را مطالعه‌ای توأمان نموده و مفهومی از مسکن (خانه) امروزی ارائه نماید. از این حیث به نظر می‌رسد که بتواند موجبات توجه بیشتر به اهمیت لحاظ معیارهای اسلامی، ارزش‌های حاکم بر جامعه و شاخص‌های مطلوب توسعه مسکن بنماید و بدین ترتیب سهمی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی مفهومی مسکن امروزی و هدایت توسعه آن داشته باشد. در عین حال، ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که مطالعات در حوزه مسکن و سبک زندگی بسیار هستند؛ لکن نگاه به این موضوعات از منظر ملاحظات اسلامی، همواره برای تحقق شهرسازی و معماری اسلامی و همچنین جان‌دادن کالبد شهر متناسب با نیل به سعادت جوامع بشری، امری لازم و غیرقابل اغماض خواهد بود.

۴. روش تحقیق

پژوهش با پارادایم کیفی و رویکرد واقع‌گرایی اسلامی انجام شده است. طبق دسته‌بندی جان کر سول برای پارادایم تحقیق کیفی، (جدول ۳) نشان‌دهنده‌ی مفروضات هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناختی تحقیق در ارتباط با به ترتیب، ماهیت واقعیت، رابطه‌ی محقق و موضوع تحقیق و فرایند تحقیق است. پارادایم کیفی مطالعات دارای فرآیندی استقرایی است که عوامل چندگانه‌ی مؤثر بر تأثیر و تناسب توسعه مسکن و سبک نوین زندگی شهری را تبیین خواهد نمود. هیچ‌گونه پیوند ضروری میان رهیافت‌ها، پارادایم پژوهش و روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها وجود ندارد. با اینکه ممکن است برخی روش‌ها رواج بیشتری در یک رهیافت خاص یا استراتژی پژوهشی خاص داشته باشند. این امر بیشتر نوعی عرف و قرارداد است تا یک الزام روش‌شناختی؛ اما منظور این نیست که می‌توان روش‌ها را بدون داشتن مفروضات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مورد استفاده قرارداد. بلکه اگر روش خاصی (مثل مصاحبه‌ی ساخت‌یافته یا نیمه‌ساخت‌یافته) به استراتژی پژوهشی استقرایی منسوب می‌شود، آن‌گاه این روش در خدمت مفروضات این استراتژی قرار خواهد گرفت. روش‌ها می‌توانند مخدوم چندین ارباب باشند؛ اما مجبورند برای این کار «رنگ و لعاب» خود را تغییر دهند و داده‌هایی که تولید می‌شوند باید طبق مفروضات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مورد قبول هر استراتژی تفسیر شوند (Blaikie, 2017, p. 352). واقع‌گرایی انتقادی به جنبه‌ی خلاقیت ذهن بشر نیز قائل است؛ با توجه به این‌که جهانی مستقل از ما وجود دارد و معرفت کاشف‌نما و واقعیت‌نماست و امکان شناسایی نظم پنهان و کشف قواعد حاکم بر جهان پیرامون از طریق کسب دانش وجود دارد، به نظر می‌رسد می‌توان به تبیین مفهوم خانه در تناسب با سبک نوین زندگی شهری نائل شد.

جدول ۳: مفروضات هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناختی تحقیق در پارادایم کیفی مطالعات (Groat & Wang, 2016, p 28)

مفروضات	پارادایم کیفی
مفروضات هستی‌شناسی	واقعیت ذهنی و چندگانه است و حاصل دیدگاه پاسخگویان متعدد تحقیق است.
مفروضات معرفت‌شناسی	رابطه محقق و موضوع از طریق تعامل محقق با موضوع تحقیق حاصل می‌شود.
مفروضات روش‌شناسی	فرایند تحقیق استقرایی است (شکل‌گیری دوسویه و هم‌زمان عوامل تحقیق).

باور اصلی پژوهش آن است که واقعیت‌ها پیرامون موضوع مورد مطالعه، ماهیت چندگانه و اجتماعی دارد که «قابل تفسیر» براساس پیوند تعاملی محقق با پاسخگویان است. از این منظر، روش تحقیق کیفی - تفسیری از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، در سطح متخصصین مطلع و مرتبط، به آشکار سازی ارزش‌ها، ایجاد نتایج و یافته‌ها، رهنمون خواهد کرد. بدین ترتیب، سه سؤال اصلی براساس مبانی نظری مرور شده، مشورت با متخصصین مرتبط و بررسی پیشینه تحقیق، براساس اهداف طرح، طرح‌ریزی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته را هدایت نموده‌اند. روش نمونه‌گیری روش گلوله برفی و تا حد اشباع نظری، ادامه یافته‌است. ابتدا سؤالات برای پرسش‌شونده ارسال و در صورت اعلام آمادگی و موافقت، مصاحبه انجام شده‌است. مصاحبه‌ها با اجازه متخصصین، ضبط و بازنویسی شده‌است. هر مصاحبه حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه به طول انجامیده است. سؤالات اصلی هدایت‌گر مصاحبه به این شرح بوده‌اند؛ اولاً تا چه میزان موافق این عبارت هستید که مفهوم خانه (مسکن) متناسب با سبک نوین زندگی با تغییر مواجهه بوده است؟ در صورت تغییر مفهوم خانه، به نظر شما در چه ابعادی بیشترین تغییر مفهومی را داشته است؟ (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و غیره)؛ در صورت امکان مصادیق آن را ذکر کنید. ثانیاً مفهوم مسکن متأثر از روح اسلامی حاکم بر جامعه و با تأکید بر تناسب آن با سبک نوین زندگی شهری، چه خصیصه‌های اصلی‌ای دارد؟ به عبارت دیگر، مفهوم مسکن ایرانی با لحاظ رویکرد اسلامی در کشور، چه ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را با مسکن غیر ایرانی - اسلامی متمایز می‌سازد؟ و در نهایت، به نظر شما کدام یک از مفاهیم مسکن ایرانی - اسلامی در توسعه مسکن نوین و رایج کشور، بیشتر نادیده گرفته می‌شود که آن را از مفاهیم ارزش‌های اصیل جامعه در درازمدت دور خواهد کرد؟ (جدول ۴) تخصص پرسش‌شوندگان و تعداد هر تخصص را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تخصص پرسش‌شوندگان

Tab. 4: Expertise of the respondents

تخصص	دکتری معماری	دکتری شهرسازی	دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی
تعداد پرسش‌شونده	۳	۷	۵

۵. یافته‌های تحقیق

الف- نتایج تحلیل داده‌ها پیرامون سؤال شماره یک: در این سؤال میزان موافقت با عبارت «مفهوم خانه (مسکن) متناسب با سبک نوین زندگی با تغییر مواجهه بوده است»، مبنای اولیه مصاحبه‌ها قرار گرفت و در ادامه با ادامه انجام پرسش و پاسخ بحث به این سمت هدایت شد که در صورت تغییر مفهوم خانه، در چه ابعادی (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و غیره) بیشترین تغییر مفهومی ایجاد شده است و مصادیق آن چیست؟

به‌طور کلی تقریباً تمامی متخصصین مصاحبه شده با تغییر مفهومی خانه موافق هستند؛ فلذا به نظر می‌رسد در مفهوم خانه تغییراتی ایجاد شده‌است. می‌توان گفت که مسکن نیز متأثر از «مدرنیته» و «جهانی‌شدن» - حتی بیش از سایر موارد تحت تأثیر - تغییر یافت. طبق یافته‌های اصلی در این بخش از نوشتار، دو نکته‌ی اصلی پیرامون این تغییر و تحول مفهومی نبایست مورد غفلت واقع گردد. اول آنکه این نگاه به تغییر مفهومی خانه از دیدگاه چه مخاطبی مبنای بحث است؟ از دیدگاه یک متخصص که به واژه‌شناسی اولیه موضوع عنایت دارد، پیرامون این موضوع مطالعات کتابخانه‌ای داشته‌است؛ مسکن گذشته را مطالعه کرده‌است و مسکن امروزی را نیز می‌شناسد و بر شاخصه‌های سنتی و نوین توسعه مسکن آگاه است؛ تغییر مفهوم خانه و عمق موضوع، متمایز از دیدگاه نوجوان امروزی‌ای است که در سبک نوین زندگی شهری قرار دارد و انتظارات خاص منطبق بر نیاز خود را دارد و مفهوم خانه را در تنهایی، استقلال و استفاده از تکنولوژی (با تأکید بر کاربرد فضای مجازی و اینترنت) و غیره می‌داند؛ یا نگرش سالمندی^۱ که

سابقه تجربه سکونت سنتی را دارد؛ اهل مهمانی دادن در خانه و مهمانی رفتن است و با این نوع زندگی سابقاً خو گرفته است؛ بنابراین قطع به یقین می‌توان گفت «مفهوم خانه» از منظر متخصصین شهری - آنچه از بررسی مسکن سنتی در تقابل با مسکن امروزی و در محتوای سبک نوین زندگی رایج است - تغییر یافته است؛ اما از دید افراد بهره‌بردار مسکن، گروه‌های مخاطب مختلف، شاید این تغییر مفهومی را به واسطه‌ی درگیری با مسائل روزمره‌ی زندگی و عجین شدن با آن، محسوس نبینند. نکته دیگر در این بحث، تناسب تغییر مفهومی مسکن با تحولات سبک نوین زندگی شهری است. بسیاری از متخصصین معتقدند با وجودی که تغییر مفهومی خانه روی داده است؛ لکن این «تغییر» متناسب با سبک نوین زندگی نیست بلکه این تحول به تدریج حادث شده است و به تبع تغییرات فرهنگی، نیازها و خواست‌های افراد است. به عبارت دیگر تغییر ارزش‌ها، نفوذ فرهنگ بیگانه و رواج سبک‌های خاص توسعه مسکن، به مرور و آرام‌آرام برخی خصیصه‌های خانه را در اذهان عموم به نحوی جای داده است که مفهوم سنتی خانه به یک نوستالوژی^۹ و پدیده‌ای تقریباً دست‌نیافتنی، مبدل شده است. با این وجود، برخی از متخصصین نیز اذعان داشته‌اند مسکن و سبک زندگی هر دو از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و این تأثیری دوسویه است.

در عین حال، برخی مصادیق کالبدی و ساختار فضایی خانه به نحوی پذیرای این تغییر مفهومی شده است؛ آن‌چنان‌که اصولاً پیش از این تجلی‌ای نداشته‌اند. به عنوان مثال مفهوم حیاط سنتی، حضور عناصر طبیعی و گیاهان در حیاط، نسبت فضای باز و بسته و بسیاری از مفاهیم در «خواست» های نوین، دیگر جایگاهی ندارند و این تغییر نه در ارتباط با «سبک نوین زندگی» که غالباً در پی شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و دگرگونی آن، ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این دگرگونی شرایط، تأثیر عوامل اقتصادی و «کالا» و «سرمایه‌ای» شدن خانه است که آن را به یک کالای ارزشمند اقتصادی، تبدیل کرده است. انسان امروزی نه برحسب سبک زندگی خود که برحسب توان مالی خود، اقدام به انتخاب خانه می‌کند و حتی با حذف برخی کلیشه‌های کاربردی و حیاتی مسکن سنتی، سعی دارد فضایی مسکونی برای خود (مترادف با محتوای سرمایه‌ای اقتصادی و پس‌انداز)، دست‌وپا کند^{۱۰}.

به همین ترتیب، دگرگونی کالبدی مسکن نوین نیز بیشتر متناسب با نیازهای ضروری افراد و توان مالی آنها به تعادل می‌رسد و در این بین فرد تلاش خواهد نمود تا خانه‌ای را انتخاب نماید که حداکثر بازتاب خواست‌های کالبدی وی را متجلی سازد و به تبع شرایط اقتصادی خود، این ترجیحات را اولویت‌بندی نموده و اقدام به تهیه مسکن می‌نماید. در این حالت به نظر می‌رسد که عامل «آسایش» در خانه تا حدودی فراهم شود؛ اما عامل «آرامش»^{۱۱}، با نقصان مواجه باشد. تنوع گونه‌های مسکن و رواج و غلبه‌ی گونه آپارتمانی^{۱۲} و تراکم‌سازی، در زمره همین تغییرات کالبدی مسکن است. طراحی و شکل کالبدی خانه، ملاحظات فرهنگی حاکم بر جامعه (ارزش‌های سنتی) را کم‌رنگ نموده است^{۱۳}. از طرفی، خانه به محلی برای تجمل و بروز تفاخر اجتماعی برای گروهی با درآمد متوسط به بالا مبدل شده است. خانه‌های اشرافی در مقابل بدمسکنی در بسیاری از شهرها، نمودی از توان اقتصادی خانوارها است که بیش از پیش باعث شکاف بیشتر طبقات اجتماعی و شکل‌گیری بالاشهر و پایین‌شهر شده است.

در نهایت، دگرگونی اجتماعی خانه نیز منجر به آن شده است که مسکن فردگراتر از قبل شود و زندگی جمعی و تعاملات خانوادگی و خانواده، تنزل یابد. امنیت اجتماعی برخی خانه‌ها نیز با حضور نگرهبانی و نظارت و دوربین مداربسته، قابل تأمین است. از طرفی مسکن و شرایط خاص تأمین آن، بر بسیاری از انتخاب‌های فردی و جمعی خانوارها از جمله فرزندآوری مؤثر است. به عبارتی دیگر، مسکن به عنوان یک کالای مصرفی، در کنار مسکن به عنوان یک کالای سرمایه‌ای، سبب شده تا بسیاری از انتخاب‌های افراد را تحت الشعاع قرار بدهد. عملکرد و بعد کارکردی خانه نیز متحول شده است و بسیاری از این کارکردها به فضای شهری انتقال داده شده است؛ به نحوی که مسکن نمی‌تواند بیش از تعداد خاصی مهمان پذیرا شود و نیاز به وجود فضاهای جایگزین نظیر تالارهای پذیرایی در سطح شهر، ایجاد شده است. مهدکودک‌ها، شهربازی، رستوران‌ها و غیره نیز مثال دیگری در این زمینه خواهد بود. خانه در برخی موارد به عنوان محل کار (کار در خانه) نیز تبدیل شده است. به لحاظ مؤلفه‌ها و ابعاد اقلیمی

و زیست‌محیطی و حتی ابعاد فناوری (پررنگ شدن فضای مجازی)، نیز تغییرات محسوس رخ داده‌است.

ب- نتایج تحلیل داده‌ها پیرامون سؤال شماره دو: در این سؤال خصیصه‌های اصلی مفهوم مسکن متأثر از روح اسلامی حاکم بر جامعه و با تأکید بر تناسب آن با سبک نوین زندگی شهری، مبنای گفت‌وگو قرار گرفته‌است؛ به عبارت دیگر، بحث پیرامون این موضوع که «مفهوم مسکن ایرانی با لحاظ رویکرد اسلامی در کشور، چه ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را با مسکن غیر ایرانی - اسلامی متمایز می‌سازد؟»، هدایت‌گر پرسش و پاسخ این بخش است.

آنچه امروزه به‌عنوان مسکن رواج دارد، تحت جریانات بین‌المللی کردن، تغییر شیوه‌های ساخت‌وساز، تأثیر معماری سبک بین‌الملل که از دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ امثال لوکوربوزیه و سایر پیشگامان معماری بین‌الملل به دنبال آن بودند، است. آنچه فارغ از مکان و اقلیم و بوم، به صورتی مشابه و یکسان ساخته می‌شود و غالباً تمایز چندانی با هم ندارند. به‌نحوی که می‌توان گفت به‌لحاظ کالبدی، پلان‌های مشابه، در شرایط سکونتی متفاوت و شهرهای مختلف (ولو با ماهیت غیر ایرانی - اسلامی)، در حال اجرا و توسعه است؛ اما مفهوم خانه و مسکن دارای تمایزاتی در مسکن ایرانی - اسلامی در قیاس با مسکن غیر ایرانی - اسلامی است. این تمایز هرچند جامعه کنونی ما در یک اتم‌سفر نظری^{۱۴} از روح اسلامی قرار دارد لکن غالباً به محتوا و ماهیت فرهنگی حاکم بر جامعه ما تکیه دارد. جایگاه مهمان، بحث حریمیت، بحث آداب معاشرت و سیستم تعامل با هم‌سایه و تعامل اعضای خانوار با هم، این‌ها مصادیقی از ارزش‌ها و سنت‌ها و باورهایی است که در جامعه‌ی ایرانی - اسلامی ما دارای اهمیت ویژه است. لذا زمانی که به‌لحاظ کالبدی، آن مسکن را پیرو سبک بین‌الملل می‌سازیم، خود افراد در پی این برمی‌آیند که به‌نحوی جایگاه و مصداقی برای این ارزش‌ها در فرم کالبدی جدید مسکن بیابند. پس با ابداعاتی سعی می‌کند تا این مسکن سبک بین‌الملل را هم‌سو با ارزش‌های خود درآورد. به‌عنوان مثال آشپزخانه مدرن^{۱۵} را با پرده حریم می‌بخشیم، یا اندازه آن را بزرگ و کوچک می‌کنیم؛ اما برخی شاخصه‌های اصلی متمایزتر در مسکن ایرانی - اسلامی که به مدد فرهنگ حاکم بر جامعه همچنان قوت دارد عبارت از، توجه به همسایه‌ها (رعایت حال همسایه و پرهیز از ایجاد سروصدا)، دید و منظر و عدم ایجاد مزاحمت، حریمیت (درون‌گرایی) و روابط درون خانواده، ارتباط با فرزندان، همسر، آداب مهمان‌داری و برخورد با مهمان هستند؛ که نمود این ویژگی‌ها در مسکن ایرانی - اسلامی محسوس است.

این مسئله از منظری دیگر نیز قابل بحث و بررسی است. برای شناسایی وجه تمایز مسکن ایرانی - اسلامی، یک رکنی که بایستی مطمئن‌نظر قرار بگیرد، مفهوم «خانواده» است؛ مفهومی که اسلام برای خانواده قائل می‌شود، یک وجه تمایز اساسی خواهد بود که بر مسکن ایرانی - اسلامی تأثیر خواهد گذاشت و نظیر آن در ادیان دیگر، یافت نمی‌شود. معنا و مفهوم خود مسکن که در قرآن نیز به آن اشاره شده است و مکانی که انسان در آن آرامش پیدا کند، چقدر در شرایط حاضر جریان دارد؟ در گذشته مسکن یک عامل هویت‌ساز و هویت‌دهنده به فرد بود که می‌توانست سازنده‌ی هویت اجتماعی و فرهنگی هم باشد. در گذشته خانه مفهومی مقدس داشته است که امروزه با فردگرایی و تنوع‌گرایی‌ها این تقدس کاهش یافته‌است. افراد به دنبال فضایی خصوصی در دل خانه‌های امروزی هستند که در کانون خانواده، زندگی مجردی (فردی) خود را پیش ببرند. خانه‌ی امروزی بیشتر جایی است برای خوابیدن و بیدار شدن و روح زندگی خود را از دست داده‌است. این درحالی‌است که خانه باید محل آرامش خانواده است. اگر خانواده سبک زندگی اسلامی را داشته‌باشد و تابع اخلاق اسلامی باشد، آن خانه محل اصلی آرامش خانواده می‌شود و خانه محل اصلی رشد و تعالی درونی و خودسازی درونی فرد می‌تواند باشد که با سبک زندگی ایرانی - اسلامی می‌تواند حائز چنین ویژگی‌ای شود.

ج- نتایج تحلیل داده‌ها پیرامون سؤال شماره سه: در خاتمه، نظر متخصصین مطلع در ارتباط با این سؤال که «کدام یک از مفاهیم مسکن ایرانی - اسلامی، در توسعه مسکن نوین و رایج کشور، بیشتر نادیده گرفته می‌شود که آن را از مفاهیم و ارزش‌های اصیل جامعه در درازمدت دور خواهد کرد؟»، مورد پرسش قرار گرفته‌است.

مسکن امروزی ما غالباً بدون توجه به معیارهای مطلوب توسعه مسکن اسلامی، در حال توسعه است. در بسیاری از ساخت‌وسازهای مسکن شهری نوین، نه معیارهای پیش‌گفته که ملاحظات اقتصادی، هدایت‌گر اصلی نوع و الگوی توسعه مسکن است. از زمانی که مسکن به کالا و سرمایه تبدیل شده‌است، طبیعتاً مسکن نه با توجه و اولویت به معیارهای فرهنگی و ارزش‌ساز هویتی، بلکه برای حفظ ارزش مادی سرمایه و پس‌انداز و درنهایت، «سودآوری» توسعه می‌یابد. از این منظر بسیاری از شاخصه‌های مسکن اسلامی، در ترجیح سازندگان و توسعه‌دهندگان مسکن شهری نبوده و در سودای منفعت مالی بیشتر، رنگ می‌بازند.

بحث انبوه‌سازی مسکن و تراکم‌سازی بالا، الان مهم‌ترین مسئله‌ای است که خانوارها را از نیازهایی که در خانه بایستی برآورده می‌شد، دور ساخته و بیشتر به سمت جامعه و محیط‌ها و کاربری‌های جانبی مسکن سوق می‌دهد. تمایل خانوارها به غذاهای بیرون‌بر، رستوران‌ها، فست‌فودها^{۱۶} و تفریحات جانبی (بعضاً کاذب)، نشانی از آن است که در خانه دیگر جایی برای این دسته از نیازهای افراد وجود ندارد و آنها چاره‌ای جز مراجعه به عملکردهای مکمل مسکن امروزه ندارند. بحث بهداشت، درمان، مراقبت از افراد خانواده، امروزه خیلی سخت‌تر و بعضاً هزینه‌برتر از سابق شده‌است. منطقه‌بندی تراکمی در توسعه مسکن نیز از ابعادی دیگر قابل طرح است؛ تراکم تعریف استاندارد و حد اشباعی ندارد که در آن سرانه مسکونی قابل توزیع باشد و یا متوازن با سطح خدمات، توزیع تراکم مسکونی نیز روی دهد. بدین ترتیب، بخشی از مؤلفه‌های ایرانی-اسلامی مسکن، سهواً و در پی منطقه‌بندی تراکمی، در حال کم‌رنگ شدن است. همچنین، در فرهنگ امروز آموزش‌هایی که راجع به آپارتمان‌نشینی و بعد خانوار نیاز است رواج نیافته و یا به‌درستی بسترسازی نشده‌است؛ این امر در کنار سرمایه‌ای شدن مسکن، مانع از تحقق چشم‌اندازی توسعه مسکن اسلامی است. بحران هویت در توسعه مسکن امروزی به دلیل منفعت‌جویی افراد و بحث ارزشمند دانستن زمین و مسکن، باعث توزیع رانت و بورس‌بازی زمین شده‌است. همچنین افرادی که در چرخه ساخت‌وساز قرار گرفته‌اند، لزوماً متخصصان نیستند و با هدف تولید سرمایه و سود بیشتر، در این راه فعالیت دارند و به‌واسطه تمکن مالی، به‌راحتی بخشی از هدایت مسکن امروزی شهرهای ما را به دست گرفته‌اند؛ که این نوع توسعه مسکن نیز بسیاری از مؤلفه‌های مسکن مطلوب اسلامی را کم‌اهمیت دانسته و در اولویت طراحی قرار نمی‌دهند. بحث محرمیت و اشرافیت بیش از همه، در توسعه مسکن نوین امروزه نادیده انگاشته می‌شوند. بحث کاهش وسعت خانه نیز در درازمدت اثراتی بر تغییر سبک زندگی افراد خواهد داشت. تمایل کمتر به فرزندآوری، ابعاد اقتصادی-اجتماعی، ابعاد فرهنگی و غیره، علاوه بر این باعث افزایش تنش‌ها و تداخل حریم‌ها در درون خانه خواهد شد. کاهش فضای خصوصی افراد نیز به‌مرور آنها را به استقلال، کاهش وابستگی و درنهایت، فردگرایی و تمایل به خانه‌ی مستقل، سوق خواهد داد. عدم تأمین کیفیت خدمات و امکانات مکمل سکونت در برخی مناطق شهری و عدم توزیع یکسان آن، سبب شکاف بیش از پیش ارزش مناطق خواهد شد. ارتباط ارزش مسکن با طبقه اجتماعی در خاتمه به تضاد طبقات اجتماعی ساکن در شهر منجر خواهد شد و بیش از پیش، جدایی‌گزینی فضایی و شکاف اجتماعی بین مناطق مختلف شهری را سبب خواهد شد.

۶. نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با پارادایم کیفی و بهره‌ز رویکرد واقع‌گرایی اسلامی، سعی نمود تا در فرآیندی استقرایی، ارتباط و تناسب تغییر مفهوم خانه (مسکن) امروزی را با سبک نوین زندگی شهری بیابد. روش گردآوری داده که برپایه‌ی مصاحبه نیمه ساختاریافته حول سه سؤال اصلی تحقیق انجام شد، به‌عنوان یافته‌های اصلی تحقیق ارائه گردید. اشاره شد که مسکن اسلامی بایستی در خدمت تعالی معنوی انسان باشد و از این منظر ضرورت دارد که در مسکن نوین، برخی شاخص‌های مسکن اسلامی مورد تأکید قرار گیرند و توسعه یابند (تقویت شوند). بحث محرمیت و درون‌گرایی، ایجاد فضای تفکر و خلوت‌گزینی، عبادت، سادگی،

پرهیز از تجمل‌گرایی و تفاخرگرایی، و سعت مسکن تا به اندازه نیاز تعداد خانوار، محل آرامش و آسودگی خاطر و تسهیل‌گری تعالی مادی و معنوی افراد، در زمره این شاخصه‌ها قرار می‌گیرند.

مهم‌ترین اصلی که در توسعه مسکن امروزی کمتر به آن توجه شده است، اصل درون‌گرایی است که بحث محرمیت را مطرح می‌سازد. طبق این اصل، افراد در برابر محیط اطراف خود یک فضای امن ایجاد می‌کنند. این فضای امن به افراد اجازه می‌دهد که فارغ از هیاهو و کشمکش‌های دنیای پیرامون خود، ساعاتی را به استراحت، تفکر، عبادت و انجام امور شخصی خود بپردازند. درحالی‌که در توسعه مسکن نوین، بحث درون‌گرایی کم‌رنگ شده است و محرمیت حتی در طراحی و چیدمان داخلی خانه‌ها نیز قوت چندان ندارد؛ لکن افراد سعی می‌کنند همچنان فضایی برای این منظور در خانه‌ی خود فراهم سازند. عدم اشرافیت سایرین به حریم افراد داخل خانه نیز عاملی دیگر است که با اصل اول ارتباط داشته و درعین‌حال انبوه‌سازی، تراکم‌سازی و عدم رعایت الزامات مجاورت‌ها و همسایگی، آن را در توسعه مسکن امروزی، پررنگ ساخته است. اندازه‌ی واحد مسکونی نیز عاملی دیگر است که در توسعه مسکن در پس عوامل تأثیرگذار اقتصادی، به شدت تأثیر پذیرفته و به حداقل‌ها کاهش یافته است. اندازه واحد مسکونی، هم یک شاخص کمی و هم یک شاخص کیفی مسکن شهری تلقی می‌شود که متأسفانه امروزه به دلیل اینکه مسکن بیشتر به مفهوم کالا بودن یا سرمایه بودن، نزدیک شده است، کمیت و کیفیت مسکن را دستخوش تغییر جدی نموده است. در مجموع برخی شاخص‌های مورد تأکید و نیاز به بازبینی برای به‌کارگیری، با قوت بیشتر در روند توسعه‌ی خانه‌های امروزی در زمره اصول داخلی عبارت از محرمیت، امنیت، لحاظ امکان دیدوبازدید و صلح‌رحم و غیره و در اصول بیرونی شامل مواردی نظیر نورپردازی بنا، ظاهر بنا، رنگ، مصالح، فرم نما (که چهره شهر اسلامی را بازنمایی کند)، می‌شوند. همچنین نیاز است در اصول درونی و بیرونی، «خانه» ابعاد معنوی خود را باز یابد و مفاهیم انسانی بودن خانه را مجدد در دستور الگوی توسعه‌های نوین خود قرار دهد.

در مجموع آنچه مورد بررسی قرار گرفت به‌ویژه در شرایط امروزی توسعه مسکن در شهرهای کشور، به نظر می‌رسد که ما از مفهوم سنتی باهمستان‌ها، مفهوم خانه و خانواده دور شده‌ایم؛ به نحوی که در مفهوم مسکن نوین براساس مدرنیته، فردگرایی، جهانی شدن، تنوع‌طلبی و تأثیر رسانه‌های جمعی، دیگر مفهوم باهمستان‌ها را نداریم و یکی از دلایل اصلی آن را باید در تغییر در نظام خانواده جست‌وجو کنیم. دلایلی نظیر میل به استقلال و کاهش وابستگی‌ها، خانوارهای تک سرپرست، خانوارهای تک‌نفره بسیار و غیره؛ بنابراین شاید در ابتدا برای غنی ساختن مفهوم خانه (مسکن) و هویت‌بخشی به خانه، نیاز به احیای مفهوم خانواده و بازگرداندن حریم و شأن خانواده داشته باشیم.

درنهایت، برخی از متخصصین مطلع امور مسکن و ساخت و ساز خانه در وضعیت امروزی شهرها، به این نکته تأکید دارند که مفهوم مسکن (خانه)، نه در تناسب با سبک نوین زندگی شهری بلکه تحت تأثیر اهرم اقتصادی، بیش از پیش تحت فشار قرار داشته و به تبعیت آن، مفهوم یافته است. درعین‌حال، مسکن امروزی بیش از آنکه در گروی ارزش‌های سنتی، هویت یابد، بر ساخته‌ای اجتماعی است که براساس توانایی مالی افراد، برخی از ترجیحات و اولویت‌های اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، محیطی و غیره را پذیرا است؛ بنابراین مسکن در توسعه نوین خود شاید بیش از آنکه به تناسب سبک نوین زندگی تغییر مفهومی یافته باشد، می‌توان گفت به تدریج از محتوای سنتی خود فاصله گرفته است و از این سبب است که تغییر مفهوم «خانه» به «مسکن» در توسعه‌های نوین شهری، بیش از آنکه محسوس باشد، تحت تغییر ذهنیت افراد (که این می‌تواند از جنبه‌هایی به تناسب تغییر در سبک زندگی باشد)، بیشتر منطبق با نیاز دانسته می‌شود تا مفهوم سنتی آن. مفهوم مسکن در دنیای امروزی شهرهای ما هرچند در اتمسفر نظری اسلامی در جریان است، لکن تحت هدایت عوامل اقتصادی، بسیاری از شاخص‌های مسکن مطلوب اسلامی را که صرفه‌ی اقتصادی ندارند، در اولویت ندارد. مسکن امروزی در گذاری از مفاهیم سرپناه، پناهگاه و اقامتگاه، بر ساخته‌ای اجتماعی شده است که نشان از هویت فردی و جمعی افراد دارد تا بدانجا که محلی برای اتکای، آرامش، آسایش، احساس امنیت، احساس

حرم، احترام، محلی برای تفکر، عبادت، دیدوبازدید، تعالی مادی و معنوی و غیره است. هر خانه فارغ از اندازه، امکانات درونی و بیرونی و کمیت و کیفیت ساخت آن، همان‌که در جامعه‌های ایرانی-اسلامی قرار دارد، در باورها و ارزش‌های اسلامی حاکم بر جامعه، معنا می‌یابد و بسیاری از این ارزش‌ها همچنان برای ساکنان، واجد احترام و اعتبار است و افراد سعی می‌کنند تا مصادیقی عینی-ذهنی برای این ارزش‌ها در مسکن نوین رواج یافته، بیابند و آن را به‌نحوی برای خود ایرانی-اسلامی نمایند. تأکید بر حفظ حریم، به‌ویژه حریمیت بیرونی و پرهیز از اشراف و مزاحمت، تعامل با همسایگان و رعایت حال آنها از جمله ارزش‌های اصیلی هستند که هنوز افراد مختلف به آن پایبندند. درنهایت هرچند برخی از کارکردهای سنتی خانه در فضاهای شهری مصداق یافته‌اند و اکنون علاوه بر محتوای مسکن، نیاز به خدمات مکمل سکونت نیز محسوس است لکن مفهوم خانه امروزی، نشانی از احساس مالکیت، فضای خصوصی و امن، آرامش و پناهگاهی برای رفع خستگی و استراحت برای برگشت به شهر و فضای کاری پرمشغله‌ی امروزی است که افراد بر طبق توانایی مالی خود، از سطح کمی و کیفی بهتری از آن برخوردارند.

سپاسگزاری

از کلیه فرهیختگان، اساتید دانشگاهی و افراد متخصصی که در زمینه تکمیل مصاحبه‌ها و روند پژوهش، دلسوزانه همکاری نموده و بستری برای تأمل و اندیشیدن حرفه‌ای (و درنهایت موجبات هم‌اندیشی) پیرامون موضوع پژوهش فراهم نمودند، صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Home
۲. House
۳. در این نوشتار با علم بر تفاوت معنایی اشاره شده برای خانه و مسکن، این دو واژه مترادف با هم استفاده شده است. درواقع مسکن مطلوب مترادف با خانه فرض شده و بدین دلیل هر جا سخن از مسکن است، منظور علاوه بر ساختار کالبدی اشاره به ابعاد معنایی خانه نیز است.
۴. Dwelling
۵. این تصاویر صرفاً جهت نمونه و ایجاد یک تصور ذهنی ارائه شده‌است و می‌تواند بسیاری نمونه‌ی دیگر را در بر بگیرد.
۶. دوام سکونت در یک محل بیش از پیش، تبدیل واحد فیزیکی به دهکده را میسر ساخت. هرچند که این مجتمع‌ها چیزی بیش از آلونک‌های بدوی نبودند. مورگان این مرحله از توسعه تمدن را بربریت نامیده است (Morris, 2005, p. 12).
۷. بایستی در شهرهای اولیه، شکل ملموس روستاهایی را مشاهده کرد که در به‌وجودآوردن شهرها رکن اصلی را به خود اختصاص داده‌اند. روستاهای شهرگونه، تاحدودی زود و از آغاز هزاره اول پس از میلاد، در نواحی غربی به‌وجود آمدند. آنها به‌طور معمول در نقاط مناسب و اغلب نزدیک رودها قرار داشتند و به احتمال، پیوند جدایی‌ناپذیر آنها با روستا، از خصوصیات این روستا «شهرها» بوده است (Kaviani-Pouya, 2016, p. 77).
۸. منظور از سالمند، بزرگ خانواده (پدربزرگ و مادربزرگ) است.
۹. نوستالژی یا «حسرت گذشته» مفهومی محوری در مباحث هویتی و سیاسی معاصر است. فهم نوستالژی و ابعاد و زوایای آن در نظریه‌های روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی، بیانگر وضعیت یاس و از خودبیگانگی بنیادین و از جاکندگی زمانی-مکانی، پدیدار شدن نوعی حرمان و دل‌تنگی و اشتیاق فزاینده به گذشته و محور قرار دادن نگرشی «گذشته‌گرا» است (Nazari, 2019, p. 201).
۱۰. مسئله تأمین مسکن، به دغدغه‌ی اصلی امروزه بسیاری از افراد تبدیل شده‌است. بیشترین سهم در سبد هزینه خانوار را دربردارد و تعداد زیادی از خانوارها، حتی تا پایان عمر، امکان مالکیت شخصی یک خانه را ندارند و سال‌ها ناچار به اجاره‌نشینی هستند. از سوی دیگر، خانوارها اصلی‌ترین راه پس‌انداز و سودمندترین آن را در خانه می‌بینند و کالایی شدن مسکن آن را به کالایی غیرقابل رقابت تبدیل کرده است.
۱۱. آرامش از درون انسان می‌جوشد و زمانی به‌وجود می‌آید که ایمانی از جنس آسمانی در دل پدید آمده باشد. اما آسایش ابزارگراست و در سیطره‌ی کمیت قرار دارد.
۱۲. بسیاری از خانواده‌ها با شرایط اضطرار، راضی به استقرار در گونه‌های آپارتمانی مسکن هستند و این ناچاری غالباً به دلیل گرانی زمین و خانه و توان مالی آنها است. عدم تطابق فضای آپارتمانی با فرهنگ سنتی حاکم، کاهش زیربنا، کاهش یا حذف فضای باز، ارتباط با طبیعت، تعداد طبقات، عدم وجود آسانسور در بسیاری از آپارتمان‌ها برخی از دلایل این شرایط اضطرار را نشان می‌دهد.

۱۳. مثلاً جانمایی اتاق خواب، سرویس بهداشتی، راهرو، ورودی و غیره در خانه‌ی امروزی، غالباً منطبق با فرهنگ اسلامی نیست.
۱۴. به نظر می‌رسد روح اسلامی حاکم بر جامعه، بیشتر نه در مقیاس عمل بلکه در بعد نظری، بر محتوای شهرهای ما سیطره دارد.
۱۵. آشپزخانه دارای این فضای آشپزخانه‌ها از مکان‌های مختلف منزل مانند پذیرایی و اتاق نشیمن قابل رویت است.
۱۶. غذای فوری (fast food)، عنوان غذاهایی است که به سرعت طبخ و آماده می‌شوند.

فهرست منابع

The Holy Quran

قرآن کریم

Aghalatif, A. & Hojjat, I. (2017). Investigating the influence of the concept of the house on its physical changes in the contemporary era in Tehran. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urbanism*, 23(4): 41-54 [In Persian.]

آقالطیفی، آزاده و حجت، عیسی (۱۳۹۷)، بررسی تاثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۳، شماره ۴، ۵۴-۴۱.

Ahmadi M, Ansari M & Bemanian M. (2021). Geometric Data Mining and Shape Grammar of Relationship between House and Islamic Iranian Lifestyle. *Naqshejahan*.11 (1) :1-14[In Persian.]

احمدی، محمد و انصاری، مجتبی و بمانیان، محمدرضا (۱۴۰۰)، داده‌کاوی هندسی و گرامر شکلی رابطه ساختارفضایی مسکن و سبک زندگی اسلامی ایرانی، فصلنامه علمی- پژوهشی نقش جهان، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۴-۱.

Ahmadi, S. M. & Nafti, M. (2014). The embodiment of Islamic art in Iranian culture in the direction of giving identity to the city and urban space with an emphasis on the design of Bostan Khurshid project, the 6th National Conference on Urban Planning and Management, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [In Persian.]

احمدی، سید مسعود؛ نفتی، ملیکا (۱۳۹۳). تجسم هنر اسلامی در فرهنگ ایرانی در راستای هویت بخشی به شهر و فضای شهری با تاکید بر طراحی پروژه بوستان خورشید، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری.

Akhtarkavan, M., Divandari, J. & Eshraghi, Sh. (2015). House from concept to meaning, Proceedings of the 4th National Conference on Applied Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Management. Tehran: K. N. Toosi University of Technology. [In Persian.]

اکتارکوان، مهدی و دیوانداری، جواد و اشراقی، شادی (۱۳۹۵)، خانه از مفهوم تا معنا، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران.

Alalhesabi, M. & Karani, N. (2012). Factors influencing the transformation of housing from the past to the future, *Housing and Village Environment*, 141: 19-36. [In Persian.]

علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه (۱۳۹۲)، عوامل تاثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، ۱۹-۳۶.

Bemanian; M., Okhovat, H. & Almasifar, N. (2009). *Architecture and traditional urban planning in Islamic countries*, Tehran: Tahan Publications. [In Persian.]

بمانیان؛ محمد؛ اخوت، هانیه؛ الماسی فر، نینا (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات طحان.

Blaikie, Norman W. H. (2017). *Designing Social Researches*, translated by Hasan Chavoshian, Tehran: Ney Publishing [In Persian.]

بلیکی، نورمن (۱۳۹۷)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

Brown K. (1984). *The Use of Concept: The Muslim City*. In *Comprehensive Perspective* (pp. 75-6). London: Ithaca Press.

Eskandrian, Gh. (2019). Evaluation of the consequences of the corona virus on lifestyle (with an emphasis on the cultural consumption pattern), *scientific-specialized quarterly for the assessment of social effects. special issue of the consequences of the spread of the corona virus-Covid 19*, 2: 65-85 [In Persian.]

اسکندریان، غلامرضا (۱۳۹۹)، ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی)، فصلنامه علمی- تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شماره ۲، ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا- کووید ۱۹، ۶۵-۸۵.

Esmaili Joghghani, M., Esfidani, M. R. & Shah Hosseini, M. A. (2018). Designing a new Iranian-Islamic lifestyle model with the Grand Theory method, *Scientific Journal of Innovation and Creativity in Human Sciences*, 9(3): 114-89 [In Persian.]

اسماعیلی جوشقانی، محمد و اسفیدانی، محمدرحیم و شاه‌حسینی، محمدعلی (۱۳۹۸)، طراحی مدل نوین سبک زندگی ایرانی- اسلامی با روش گزندتئوری، نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره‌نهم، شماره ۳، ۸۹-۱۱۴.

Fallah Monshadi, E. (2011). *Housing in the Islamic city from the perspective of Nahj al-Balagheh*, the first national conference on Islamic architecture and urban planning, Tabriz: Tabriz University of Islamic Art [In Persian.]

فلاح منشادی، الهام (۱۳۹۰). مسکن در شهر اسلامی از نگاه نهج البلاغه، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

Fazeli, N. (2016). Modernity and housing (an ethnographic approach to the concept of home, rural lifestyle and its modern developments), *Cultural Research Quarterly*, (1): 25-63 [In Persian.]

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، ۲۵-۶۳.

Fazli, M. S. (2012). *Consumption and lifestyle*, first edition, Qom: Sobh Sadegh [In Persian.]

فاضلی، محمدصادق (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم: صحیح‌صادق.

Groat, L. & Wang, D. (2016). *Research methods in architecture*, translated by Alireza Einifar, 9th edition, Tehran: Tehran University Press [In Persian.]

گروت، لندا و دیوید، وانگ (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Habibi, S. M. (2006). *De la cite a la ville: analyse historique de la conception urbaine et son aspect physique*, 7th edition, Tehran: Tehran University Press [In Persian.]

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۶)، از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و اثر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Haghighat Bin, M. and Asadolahi, S. F. (2011). *Manifestation of Islamic identity in the urban landscape by examining the case study of the Enghelab Square, Mashhad: Conference on the place of religious elements in urban development* [In Persian.]

حقیقت‌بین، مهدی؛ اسداللهی، سید فریبا (۱۳۹۱). تجلی هویت اسلامی در منظر شهری با بررسی نمونه موردی میدان انقلاب، همایش جایگاه عناصر دینی در توسعه شهری، مشهد مقدس.

Hagh-Shenas, M., and Hanachi, P. (2022). Influencing Factors on Residential Architecture and Lifestyle in Century-old Iran (Case Study: Transformation of Housing Models in the Historical City of Lar). *Journal of Iranian Architecture Studies*, 9(17): 57-76 [In Persian.]

حق‌شناس، محیا و حناچی، پیروز (۱۳۹۹)، بررسی عوامل موثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در قرن اخیر ایران، مورد پژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار، مطالعات معماری ایران، دو فصلنامه معماری ایرانی، شماره ۱۷، ۵۷-۷۶.

Hassah, N. (2015). *From the house to the black house, the position of architecture in the nomads' black tent, Shabak*: 2(4): 101-110 [In Persian.]

حساس، نجمه (۱۳۹۵)، از خانه تا سیاه‌خانه، جایگاه معماری در سیاه‌چادر کوچ‌نشینان، شباک: جلد ۴، مطالعات هنر و معماری، سال دوم، شماره ۴، ۱۰۱-۱۱۰.

Henilane, I. (2016). *Housing concept and analysis of housing classification*. *Baltic Journal of Real Estate Economics and Construction Management*, 4(1): 168-179.

Kaviani-Pouya, H. (2016). *Investigating the historical factors of foundation cities with an approach to the cities of Iran and Mianrodan*, *Historical Research Quarterly*, 9(4): 90-73 [In Persian.]

کاویانی‌پویا، حمید (۱۳۹۶)، بررسی عوامل تاریخی بنیاد شهرها با رویکرد به شهرهای ایران و میانرودان، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال پنجاه‌وسوم، دوره جدید، سال نهم، شماره چهارم، ۷۳-۹۰.

Kochchian, M., Aivazian, S., Diba, D. and Norouz Barazjani, V. (2016). *redefining the concept of housing and residence based on economic and social components*, *Urban Management*, 49: 263-286 [In Persian.]

کوچکیان، مسعود و آیوازیان، سیمون و دیبا، دارای و نوروز برازجانی، ویدا (۱۳۹۶)، بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت براساس مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی، مدیریت شهری، شماره ۴۹، ۲۶۳-۲۸۶.

Memarian, Gholam H. (1993). *Acquaintance with Iranian residential architecture, introspective typology*, Tehran: Iran's science and industry publication [In Persian.]

معماریان، غلام حسین (۱۳۷۳). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گرا، تهران، انتشارات علم و صنعت ایران.

Morris, J. (2005). *The History of the Shape of the City to Industrial Revolutions*, translated by Razia Rezazadeh, 4th edition, Tehran: Publishing Center of Iran University of Science and Technology [In Persian.]

موریس، جیمز (۱۳۸۵)، تاریخ شکل شهر تا انقلابات صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، چاپ چهارم، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

Motahari Rad, S. (2011). *Islamic architecture, mirror of divine wisdom, Mashhad : Conference on the place of religious elements in urban development* [In Persian.]

- مطهری راد، سمیرا (۱۳۹۱). معماری اسلامی، آینه حکمت الهی، همایش جایگاه عناصر دینی در توسعه شهری، مشهد مقدس.
- Naghizadeh, M. (2016). *The Islamic City: From Thought to Emergence*, Tehran: Academic Jihad Publishing Organization [In Persian.]
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۶). شهر اسلامی: از اندیشه تا ظهور، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Nazari, A. A. (2019). Looking for the future in the past and representing the nostalgic in contemporary Iran, *Political Science Journal*, 15(3): 236-201 [In Persian.]
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۹). پی‌جویی آینده در گذشته و بازنمایی امر نوستالژیک در ایران معاصر، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره سوم، ۲۰۱-۲۳۶.
- Noghrekar, A. H. (2014). *Human perceptual interaction with geometric spatial ideas in architecture*, Tehran: Amirkabir Publications Institute [In Persian.]
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴). تعامل ادراکی انسان با ایده‌های فضایی - هندسی در معماری، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- Noghrekar, A. H. and Alalhesabi, M. (2016). *Realization of identity in architecture and urban planning with an emphasis on the promotion of Islamic-Iranian identity in new cities*, Tehran: New Thought book publication [In Persian.]
- نقره‌کار، عبدالحمید و علی الحسینی، مهران (۱۳۹۶). تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی با تأکید بر ارتقاء هویت اسلامی - ایرانی در شهرهای جدید، تهران: کتاب فکر نو.
- Qaraeti, M. (2013). *The image of housing and Islamic Urban Development*, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an publication [In Persian.]
- قرائتی، محسن (۱۳۹۳). سیمای مسکن و شهرسازی اسلامی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
- Raisi, M. M. (2019). *Architecture and urban planning according to the Islamic lifestyle, from the description of the ideal situation to the analysis of the current situation*, second edition, Qom: Qom University Press [In Persian.]
- رئیس‌ی، محمدمان (۱۳۹۹). معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- Rapaport, A. (2015). *Housing Anthropology*, translated by Khosrow Afzalian, third edition, Mashhad: Kasra press [In Persian.]
- راپاپورت، آموس (۱۳۹۵). انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افزالیان، چاپ سوم، مشهد: کتابکده کسری.
- Rostami, E. & Ardeshirzadeh, M. (2012). A look at lifestyle theories, *Lifestyle Studies Quarterly*, 2(3): pp. 31-9 [In Persian.]
- رستمی، احسان و اردشیرزاده، مرجان (۱۳۹۲). نگاهی به نظریه‌های سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۱-۹.
- Saraee, M. H. (2012). The evolution of urban housing from family complexes (neighborhoods) to apartment blocks (basic differences between houses and housing in Yazd city), *Research and Urban Planning*, 10: 23-42 [In Persian.]
- سرائی، محمدحسین (۱۳۹۱). تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی (محله‌ای) تا بلوک‌های آپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۰، ۲۳-۴۲.
- Sedaghati, A., Diba, F., Daneshpour, A. & Bilali oskui, A. (2018). Presenting scenarios of the "home" metaphor in the new urban lifestyle based on the CLA method, *Strategy Quarterly*, 28(90): 118-87 [In Persian.]
- صدقاتی، عاطفه و دبیا، فرید و دانشپور، عبدالهادی و بلالی اسکویی، آریتا (۱۳۹۸). ارائه سناریوهای استعاره «خانه» در سبک نوین زندگی شهری مبتنی بر روش CLA، فصلنامه راهبرد، سال ۲۸، شماره ۹۰، ۸۷-۱۱۸.
- Shasti, Sh. & Flamaki, M. M. (2013). The relationship between lifestyle and Iranian housing (based on the theory of "short-term society" and the theory of "territorial strategy and politics of Iranian society"), *scientific research quarterly of interdisciplinary studies in humanities*, 6(3): 117-137 [In Persian.]
- شصتی، شیما و فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۳). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» و نظریه «راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۳، ۱۱۷-۱۳۷.
- Taheri Pilehroud, B. and Behrooz, H. (2014). The evolution of traditional house architecture to today's housing, *The International Conference on Modern Researches in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning*, Tehran: International Broadcasting Conference Center [In Persian.]
- طاهری پله‌رود، بهروز و بهروز، حبیب (۱۳۹۴). سیر تحول معماری خانه‌های سنتی تا مسکن امروز، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.
- Wentling, J. W. (2016). *Housing Design Based on Lifestyle*, Translation: Habib Ghasemi, Mashhad: Kasra press [In Persian.]
- ونتلینگ، جیمزو (۱۳۹۲). طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی، ترجمه: حبیب قاسمی، کتابکده کسری، مشهد.